تواتر قرائات تا اصحاب آن در کلام صاحب مفتاح الکرامه و نقد آن

در فرمایشات مفتاح الکرامه صفحه هفتم بودیم.

> **و أمّا ما وقع فی المقام الرابع «فالقائل بتواترها إلی أربابها دون الشارع یقول إنّ آل اللّه علیهم السلام أمروا بذلک فقالوا: اقرأوا کما یقرأ الناس» و قد کانوا یرون أصحابهم و سائر من یتردّد إلیهم یحتذون مثال هؤلاء السبعة و یسلکون سبیلهم و لولا أنّ ذلک مقبول عنهم لأنکروا علیهم مع أنّ فیهم من وجوه القراءة کأبان بن تغلب و هو من وجوه أصحابهم صلّی اللّه علیهم، و قد استمرّت طریقة الناس و کذا العلماء علی ذلک، علی أنّ فی أمرهم بذلک أکمل بلاغ، مضافاً إلی نهیهم عن مخالفتهم. و یؤیّد ذلک أنّه قد نقل عن کثیر منهم متواترا أنّهم ترکوا البسملة مع أنّ الأصحاب مجمعون علی بطلان الصلاة بترکها، فلو کانت متواترة إلی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم صحّ لهم أن یحکموا ببطلان الصلاة حینئذٍ و أمّا علی القول بأنّ آل اللّه سبحانه جوّزوا ذلک صحّ أن یقال بأنّهم صلّی اللّه علیهم استثنوا ذلک، فلیلحظ هذا[1]**

«و أمّا ما وقع فی المقام الرابع»؛ مقام ثانی این بود: «هل المراد بتواتر القرائات تواترها الی اربابها ام الی الشارع». مقام سوم این بود: «هل هی متواترة بمعنی ان کل حرف منها متواتر ام بمعنی حصر المتواتر فیها». با آن توضیحاتی که من عرض کردم باید عبارات این مقام ثالث تغییر داده شود. چرا؟ چون حصر المتواتر متخذ از عبارت شهید ثانی بود و اساساً مقصود شهید ثانی از این حصر المتواتر که در کل مقام ثالث از آن بحث شد، اصلاً این نبود. لذا باید عبارت را یک جوری تغییر بدهیم. «المقام الثالث: هل هی –القرائات السبع- متواترة بمعنی ان کل حرف منها فی جمیع طرقها متواترة ام بمعنی حصر المتواتر فی السبع من السبع الصغری و لیس فی جمیع طرقها متواتر». اصلاً مقصود شهید ثانی این بود. خب پس این خیلی مهم است. لذا گفتهاند که شهید تناقض میگویند و عجیب این است که در یک کتاب است؛ بلکه در چند سطر پشت سر هم شهید تناقض به این واضحی را بگویند؟! مفصل از اینها صحبت کردیم. این هم مقام سوم است که اصلاً به این صورت که مطرح شده بود نبود.

مقام چهارم؛ **«علی القول بعدم تواترها الی الشارع هل یقدح ذلک فی الاعتماد علیها ام لا؟»**؛ خلاصه آیا میتوانیم به اینها اعتماد کنیم یا نه؟

«و أمّا ما وقع فی المقام الرابع، فالقائل بتواترها إلی أربابها دون الشارع یقول إنّ آل اللّه علیهم السلام أمروا بذلک»؛ ما را امر کردند که با اینها متابعت کنیم.**«قالوا: اقرأوا کما یقرأ الناس و قد کانوا یرون أصحابهم**»؛ اهل البیت علیهم‌السلام اصحاب خودشان را می‌دیدند.**«و سائر من یتردّد إلیهم**»؛ سائر کسانی که در خانه اهل البیت رفت‌وآمد داشتند می‌دیدند،**«یحتذون مثال هؤلاء السبعة»؛** مثل این هفت تا همین مسیر را می‌روند. تعدد موجود است. قرائت ناس موجود است. آنها را منع نمی کردند.

«و یسلکون سبیلهم و لو لا أنّ ذلک مقبول عندهم لأنکروا علیهم»؛ می‌گفتند این چه کاری است؟! یک بی عقلی آمده کلام خدا را تغییر داده و اجتهاد کرده، سنت حضرت را تغییر داده، اما جایز است که شما بدون هیچ مشکلی به آن عمل کنید!

«مع أنّ فیهم من وجوه القراءة»؛ در میان اصحاب آنها بزرگانی از قراء بودند. دیروز کتابی را از یک سنی دیدم. مصنفینی در قرائات را ردیف کرده بود. کتاب خوبی هم بود. «وجوه اختلاف القراء العشرة».در مقدمه آن کتاب اینها را گفته بود. اصل کتاب این است: درجایی‌که قراء اختلاف کردند...؛ از بزرگان مصنفین قرن دوم در قرائات را ابان بن تغلب ذکر کرده‌اند. همینطور هم هست. از حیث وفات از بسیاری از قراء سبعه جلوتر است. از نافع جلوتر است، از ابو عمرو بن علاء بصری جلوتر است. شاید ده سال قبل از شهادت امام صادق وفات کرده است. ۱۳۸-۱۴۰ است. تنها یکی-دو نفر هستند که از او جلوتر هستند. مثلاً عاصم بعد است. اما باز شاگرد عاصم بوده است. ابان این جور کسی است.

«کأبان بن تغلب و هو من وجوه أصحابهم صلّی اللّه علیهم، و قد استمرّت طریقة الناس و کذا العلماء علی ذلک، علی أنّ فی أمرهم بذلک أکمل بلاغ، مضافاً إلی نهیهم عن مخالفتهم. و یؤیّد ذلک»؛ این تأیید از عجائب امر است. اینها خیلی قابل فکر است.

«أنّه قد نقل عن کثیر منهم متواترا»؛ از قراء سبعه،**«أنّهم ترکوا البسملة»؛** بسم اللّه را نمی‌آوردند. یکی از آنها خود حمزه است. خود حمزه ای که از شاگردان امام علی‌علیه‌السلام است و همه او را شاگرد امام صادق ذکر می‌کنند، بسم اللّه را در بین دو سوره ترک می‌کند. این معروف است. یکی از مطالبی که بین قراء سبعه اختلاف است، مسأله بسم اللّه است.

«أنّهم ترکوا البسملة»، اما اصحاب و شیعه به چه صورت است؟**«مع أنّ الأصحاب مجمعون علی بطلان الصلاة بترکها»؛** در اینجا حق ندارید تابع قراء سبعه باشید. در اینجا اگر بگویید من از حمزه متابعت می‌کنم و بسم اللّه را نمی‌آورم، نمازتان باطل است.

«فلو کانت» اگر ترک بسم اللّه،**«متواترة إلی النبی صلی اللّه علیه و آله و سلم لما صحّ لهم أن یحکموا ببطلان الصلاة حینئذٍ**»؛ و حال اینکه حکم کرده‌اند.پس معلوم می‌شود که متواتر به اصحابش است، نه الی رسول اللّه.

---

[1]مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة (ط-جماعة المدرسین)، ج۷، ص۲۲۰

بازبینی #2
ایجاد شده 2 مه 2024 14:24:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 ژوئن 2024 13:24:29 توسط ... .